

مشورت ضرورتی در سبک زندگی متعالی

سید محمد رضا حسینی

استاد یار دانشگاه پیام نور مرکز قم

چکیده

مشورت در ساز و کار تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های سبک زندگی متعالی فردی، خانوادگی و اجتماعی، ضرورت بایسته‌ای است که نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. انسان تعالی خواه در هر مرحله و رتبه‌ای از اندیشه و تعقل که باشد به این اصل مهم نیازمند است. و هرگز نمی‌تواند خود را از بهره‌های خرد جمعی در دست یابی به زندگی متعالی بی‌نیاز بداند.

از این رو خردمندان یکی از راه‌های اداره صحیح و درست سبک زندگی متعالی جامعه را استفاده از خرد دیگران و عقل جمعی می‌دانند. زیرا سلامت تصمیم‌گیری‌ها در گروه مشورت با خردمندان است و جامعه‌ای که در آن، مشورت یک اصل مسلّم باشد و از اجزای ضروری و لابدیت آن به شمار آید، جامعه‌ای برتر و سعادت‌مند خواهد بود. و مردمی که چگونگی زندگی خود را بر اساس هم‌فکری و مشورت با صاحبان اندیشه پیریزی کنند، گرفتار لغزش‌ها و چالش‌ها نخواهد شد.

تاریخ و تمدن اسلامی گواهی می‌دهد که هیچ خردمندی با نظر خردمندان مخالفت نکرده و نمی‌کند؛ اگر کسی در هر عصری با عقل جمعی مخالفت کند، نه تنها مردم آن عصر بلکه آیندگان نیز در خردمندی او شک و تردید می‌کنند. این مقاله بر آن است تا به بررسی ضرورت مشورت در دست یافتن به سبک زندگی متعالی بپردازد. و آن دسته از افراد که خواهان زندگی متعالی می‌باشند را بسوی استفاده از خرد جمعی و مشورت با صاحبان اندیشه و خرد راهنمایی کند

کلید واژه: مشورت، سبک زندگی، انسان و متعالی

بیان مساله:

بی تردید مشاوره و هم اندیشی با خرد مندان در اسلام از جایگاه و اهمیت بسیار والایی برخوردار است که خداوند تبارک و تعالی در سه آیه به طور روشن و در برخی آیات به صورت ضمنی به طرح بحث مشورت پرداخته است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نیز هر یک بیاناتی در این باره داشته‌اند که در جای خود به ذکر آن‌ها پرداخته خواهد شد.

مشورت و همفکری مورد تأیید و تأکید عقل و عقلا نیز می‌باشد. اندیشمندان، والیان و حاکمان، همواره مشاورانی خردمند داشته‌اند و امروزه نیز دولت مردان خردمند و تیز هوش از مشاورین عاقل بهره‌مند هستند. لذا اگر به صفحات تاریخ مراجعه کنیم، سراسر لبریز از داستان‌ها و حکایت‌های مشاوره حاکمان با مشاوران خردمند است که از این طریق، خدمات شایسته‌ای ارائه کرده‌اند.

دانشمندان علوم اجتماعی، تربیتی و اخلاق، مشورت و همفکری را همواره وظیفه اخلاقی هر فرد می‌دانند و آن را در ردیف سایر وظایف اخلاقی قرار می‌دهند و برای آن نقشی اساسی قائل‌اند. روان‌شناسان نیز مشورت و هم اندیشی را گامی اساسی و بنیادین در روان‌درمانی می‌دانند؛ زیرا تا طرف مشورت خود را آماده پذیرش راهکارهای درمانی و توصیه‌های مشاور نکند، درمان امکان‌پذیر نیست.

مفهوم شناسی مشورت:

لغت‌شناسان معانی گوناگونی برای مشورت و واژه‌های مرتبط با آن را ذکر کرده‌اند که از مجموع تعریف‌ها به دست می‌آید. مشورت و هم اندیشی نوعی تعامل بین مشاور و مشورت‌گیرنده است و در آن، مشاور به مشورت‌گیرنده کمک می‌کند تا پس از شناخت دقیق خود، موقعیت و شرایط اطراف، تصمیمات معقول، منطقی و مقبولی اتخاذ کند تا تصمیمات او دارای عقبه‌ای علمی باشد.

مفهوم شناسی سبک زندگی:

مفهوم سبک زندگی در شکل نوین آن (life style) از زمره واژگانی است که معانی و مفاهیم متعددی دارد. و برای اولین بار «آلفرد آدلر» در سال ۱۹۲۹ میلادی آن را مطرح کرده و از آن پس پژوهشگران عرصه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان بخشی از واقعیت‌های فرهنگی جامعه، آن را به کار برنده‌اند. از این رو گذشته از تعریف‌های فرهنگ‌نامه‌ای، اندیشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی هر یک به فراخور دیدگاه و ساختار اندیشه خود به لحاظ اختلاف جدی ماهوی در تعریف زندگی در فرهنگ غرب و فرهنگ دینی به تعریف اصطلاحی سبک زندگی پرداخته‌اند. در این راستا یکی از محققین گفت: سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدلها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و

کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه می‌باشد. در واقع سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد. وی به حدیثی از امام صادق (علیه السلام) استشهد کرد و اظهار داشت قال الصادق (ع): «أصول المعاملات تقع أربعة أو جه معاملة الله ومعاملة النفس ومعاملة الخلق ومعاملة الدنيا»^۱ (مصباح الشریعه، ص ۵-۷) حضرت می‌فرمایند: اصول رفتارها و معاملات بر چهار قسم تقسیم می‌شود: تعامل با خالق، تعامل با نفس، تعامل با خلق و تعامل با دنیا. سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را دربر می‌گیرد. در واقع سبک زندگی را، همان شالوده فرهنگ و شاخص‌های آن تشکیل می‌دهد. وی گفت: تعریف بالمعنی الاعم می‌توان گفت که «سبک زندگی عبارت است از تحقق عینی اسلام در عرصه‌های حیات انسان». به این ترتیب سبک زندگی عبارت خواهد بود از تحقق عینی اسلام با همه‌ی ابعاد و افاق آن، آنگاه که اسلام محقق شد و نه فقط در مقام نظر، نفس الامر و نزول. از دین دست‌کم می‌توان دوازده تعبیر داشت که یکی از تعبیر، «دین محقق» است، یعنی آنچه که در حیات انسان (جوارح و جوانح انسان) محقق شده است و آنچه در جوارح و جوانح انسان تحقق‌یافتنی است، سبک زندگی است. علامه‌ی طباطبایی نیز دین را به نحوی در المیزان تعریف می‌کنند که به سبک زندگی نزدیک می‌شود. اما سبک زندگی بالمعنی الخاص و در معنای محدودتر آن که بتواند با تعاریف رایج نیز یک نوع مجاورت و موازات پیدا کند به این صورت است: «منظومه‌ای از شیوه‌های مواجهه‌ی جوانحی و جوارحی با عرصه‌های حیات» و اگر اسلامی بود، این عبارت به تعریف اضافه می‌شود: «مبتنی بر مبانی معرفتی - ارزشی برآمده از منابع معتبر با کاربرد مستند منطقی علمی موجه اسلامی»^۱

مفهوم شناسی متعالی:

یک فرد یا یک مجموعه ارتقاء یافته، برتر، بلندتر، پیشرفته و تکامل یافته مادی و معنوی را متعالی می‌گویند. ولی در نگاه دین به فردی که با بهره‌مندی از آموزه‌های دینی و سنت‌های الهی خط سیر تکامل الهی را طی کرده باشد و به درجات عالی برسد به آن، انسان متعالی گفته می‌شود.

بنظر می‌رسد پس از نگاه مفهوم شناسی به مشورت، سبک زندگی و متعالی، به پیشینه مشورت نیز بنیم نگاهی داشته باشیم. بی‌تردید می‌توان تاریخ مشورت را مقارن با زمان شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان دانست، زیرا مشورت و هم‌اندیشی عامل رشد اجتماعی - فرهنگی و اسباب ایجاد هماهنگی در جوامع بشری به شمار می‌رود. انسان‌های کهن هرگاه از شناخت و درک مسأله‌ای عاجز و یا در ابعاد نا شناخته موضوعی سرگردان می‌شدند، به سراغ دیگران می‌رفتند و از آنان کمک می‌گرفتند و با رایزنی‌ها و مشورت‌ها در صدد

۱. استاد علی اکبر رشاد نشست سبک زندگی اسلامی معطوف به میحث خانواده، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران

دست یابی به نادانسته‌ها و پاسخ پرسش‌های خویش بر می‌آمدند.

قرآن شهادت می‌دهد که در امت‌های پیشین نیز بسیاری از اشخاص در امور و شؤون مختلف با اطرافیان خود همفکری و مشاوره داشته‌اند. برای نمونه به سه مورد از این مشورت‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. وقتی نامه حضرت سلیمان علیه‌السلام به بلقیس - ملکه سبا - و قوم او رسید که در آن خواسته شده بود بر سلیمان برتری نجویند و از سر تسلیم و اطاعت نزد سلیمان روند، بلقیس به بزرگان قوم خود گفت: «... يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِي»^۲؛ ای بزرگان، نظر خود را در این امر مهم به من بگویند که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده‌ام.

۲. قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاسِ صَحِيحٌ»^۳؛ مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر (مرکز فرعونیان) آمد و گفت: ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو، به مشورت نشستند، فوراً (از شهر) خارج شو که من از خیر خواهان تو هستم».

۳. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «فِي التَّوْرَةِ أَرْبَعَةٌ أُسْطَرٌّ: مَنْ لَا يَسْتَشِيرُ يَنْدَمُ...»^۴؛ در تورات چهار سطر وجود دارد که یکی از آن‌ها این است: کسی که با دیگران مشورت نکند پشیمان می‌شود».

امت‌های قبل با عقلای قوم مشورت می‌کردند و دیگران را نیز تشویق می‌کردند تا در امور مهم، با صاحبان خرد و علم، هم‌اندیشی و مشورت کنند.

موارد مشورت:

بی‌تردید مشورت و بهرمندی از خرد جمعی در همه موارد زندگی - اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی - بغیر از احکام و قوانین ثابت و غیر قابل‌تغییر دین پسندیده و مبارک و خردمندانه می‌باشد. علامه طباطبایی در این خصوص می‌گوید: روایات زیادی در مورد مشورت وجود دارد، اما مورد مشورت آن جایی است که مشورت‌کننده در انجام و ترک آن مورد، مجاز باشد. ولی در مورد احکام ثابت الهی هیچ جایی برای مشورت وجود ندارد، کما این که هیچ کس حق تغییر این احکام را ندارد.^۵ همگان به اهمیت و نقش مشورت و همفکری و اثربخشی بالای آن اذعان دارند، اما متأسفانه کمتر به آن توجه داشته و جامعه

۲- سوره نمل ۲۷، آیه ۳۲.

۳- سوره قصص ۲۸، آیه ۲۰.

۴- المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۱، ح ۱۶؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۵۷.

۵- المیزان، ج ۴، ص ۷۰.

عمل می‌پوشند، شاید علت آن را در مگوهای اسرار باید جست‌وجو کرد. بسیاری از این که خواسته‌ها و نیازها و نقاط ضعف در زندگی خود را با دیگران در میان بگذارند و از راهنمایی‌های دیگران استفاده کنند، امتناع می‌ورزند، زیرا آن‌ها نگران فاش شدن اسرار زندگی خود هستند. هر قدر ضرورت حفظ اسرار دیگران نادیده گرفته شود، گستره و قلمرو مشورت محدود می‌گردد و اقبال به آن نیز کمتر می‌شود. با همه این موارد، خوش‌بختانه در کشور ما مواردی مانند تعیین رشته تحصیلی دبیرستان و دانشگاه، ازدواج و انتخاب هم‌سر، تعیین شغل، تعیین محل سکونت، مسافرت‌های مهم و بزرگ و حتی تعیین شیوه تدریس و... با بزرگ‌ترها، و صاحبان عقل و دین و به تعبیر قرآن «اولوالالباب» به مشورت و همفکری می‌پردازند و آن را ضرورتی برای تعالی خود می‌دانند.

دلایل ضرورت مشورت در سبک زندگی متعالی:

دلایل متعددی را می‌توان بر اساس آموزه‌های دینی برای رویکرد مردم به هم‌اندیشی و مشورت در سبک زندگی متعالی بر شمرد

۱- رشد خواهی و تکامل طلبی انسان:

اساساً انسان در پی رشد و کمال است، اما این که «کمال انسان در چیست؟» سؤال است بسیار دشوار و مشکل. شهید مطهری می‌فرماید: از جمله مجهولات انسان درباره انسان همین مسأله است که «کمال انسانی در چیست؟» انسان به چه مرحله‌ای از رشد در ابعاد مختلف برسد، انسان کامل شده است؟ شاید بتوان گفت خداوند در وجود انسان استعدادها بالقوه‌ای را به ودیعه نهاده است که اگر انسان توانست با تلاش خود آن‌ها را فعلیت بخشد و آشکار سازد، مقدمات حرکت برای رسیدن به کمال را فراهم ساخته است.

انسان همواره بر آن است تا با بهره‌مندی از ابزارها و ساز و کارهای مادی و معنوی، و شناسایی آن‌ها - که یکی از آن‌ها شورا و مشورت است - در جهت رشد و بالندگی و تکامل خود گام بردارد. تکامل طلبی و رشد خواهی انسان موهبتی الهی است. خداوند در ابتدای آفرینش این روحیه را در سرشت انسان به ودیعت گذاشت و در کتاب آسمانی خود تأکید می‌کند که همه امکانات و آفریده‌های خود را در اختیار انسان قرار داده است: «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^۶. انسان با استفاده درست و بهینه از آفریده‌های خداوند تکامل می‌یابد.

بی‌تردید تمایلات فطری انسان او را به سوی بی‌نهایت هدایت می‌کند؛ از این روی سخت در تلاش است

^۶- لقمان ۳۱، آیه ۲۰.

که در مسیر تکامل به قرب الی الله برسد: «یا اَیُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ...»^۷ ای انسان! همانا تو سخت کوشایی به سوی پروردگارت پس با او دیدار خواهی کرد.

با بیان ویژگی کمال جویی انسان، مسیر و چارچوب هم اندیشی مشخص می‌گردد؛ بدین صورت که مشورت و هم اندیشی هم باید در عرصه‌های مختلف در مسیر کمال انسانی که همان قرب الی الله باشد، قرار گیرد.

۲- مسؤولیت پذیری انسان:

از آن جایی که انسان مختار است، در قبال اعمال خود مسؤول نیز می‌باشد. مسؤول در تعیین مسیر و سبک زندگی خود، خانواده و جامعه. دامنه مسؤولیت انسان به گستردگی اختیارات او است و هر قدر اختیار و آزادی وی بیشتر باشد، دایره مسؤولیت او وسیع‌تر است.

همان طوری که او در ارایه مشورت و هم اندیشی مسؤول می‌باشد، در شناسایی هم اندیش و مشاور و نحوه دریافت مشاوره نیز مسؤول است، و این که در چه موضوعی هم اندیشی می‌کند و با چه کسی. بنابراین او باید بسیار دقت کند، زیرا: «لَتُسْئَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۸؛ در برابر آن چه می‌کنیدم سؤال ه ستید و مورد سؤال قرار خواهید گرفت.

۳- کسب محبت الهی و پیروی از معصومین علیهم‌السلام:

مشورت و همفکری در سبک زندگی، موجب به دست آوردن محبت حق تعالی و پیروی از معصومین علیهم‌السلام

است، زیرا همفکری و مشورت در امور سبب نزدیک شدن به دیدگاه صحیح و مانع از سقوط انسان در خطاها و اشتباهات می‌گردد. هم‌چنین مشاوره یکی از سیره‌های پیامبر و ائمه علیهم‌السلام بوده است. اسوه بودن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام برای انسان‌ها و لزوم اقتدا و تأسی به سنت و روش آن بزرگواران، از بایسته‌های اعتقادی ما به حساب می‌آید که موجب کسب محبت الهی می‌گردد.

ناگفته نماند که معصومین علیهم‌السلام نیز همانند رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نیازی به کسب آراء و نظریات و مشورت با دیگران نداشتند، زیرا آنان عقل کل و مصون از خطا بودند، با این حال به مشورت توجه خاصی نشان می‌دادند؛ تا جایی که امام صادق علیه‌السلام ترقی عقل از مرتبه قوه به مرتبه فعل را به سبب مصاحبت و مشاورت با صاحبان عقل و علم و تجربه در امور دین و تقوا دانسته و می‌فرماید: فرد مؤمن در همه امور

^۷ - انشقاق ۸۴، آیه ۶.

^۸ - نحل ۱۶، آیه ۹۳.

دین خود با مؤمنی که از نظر عقل و علم کامل باشد مشاوره می‌کند.^۹ ایشان هم‌چنین در بیان اهمیت هم‌اندیشی و مشورت می‌فرماید: «مَثَلُ الْمَشُورَةِ مَعَ أَهْلِهَا مَثَلُ التَّفَكَّرِ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ؛^{۱۰} مشورت و همفکری با افراد شایسته و با صلاحیت، همانند تفکر در خلقت آسمان‌ها و زمین است». این سخن گهربار به حد کافی اهمیت مشورت و هم‌اندیشی را برای ما روشن می‌سازد و آن را در زمره عبادات قرار می‌دهد.

۴-رهائی از استبداد در رأی:

بی‌شک انسان‌ها در هر سطح از علم و دانش و کمال که باشند، باز هم نسبت به برخی امور ناآگاه هستند. نگرش هر فرد به مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، متناسب با میزان تحصیلات، شرایط رشد شخصیت و محیط تربیتی و فرهنگی او می‌باشد. بنابراین، در بررسی مسائل مختلف اجتماعی - به ویژه در مقوله تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - بهره‌گیری از نظریات افراد و گروه‌ها بسیار با اهمیت است. زاویه دید افراد و گروه‌ها زمانی کمال پیدا می‌کند که از نظریات دیگران، به نحو احسن بهره‌برداری نمایند. بدین ترتیب، نقایص مسائل فرهنگی و سیاسی با تضارب آرا و افکار، کمال یافته و از استبداد و خودرأیی رهائی یابد. اسلام خودرأیی را به شدت نکوهش و مذمت کرده است. پیامبر عظیم‌الشأن صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «مَا شَقِيَّ عَبْدٌ قَطُّ بِمَشُورَةٍ وَلَا سَعَدَ بِاسْتِغْنَاءِ رَأْيٍ؛^{۱۱} هیچ‌گاه کسی با مشورت بدبخت و با خودرأیی خوشبخت نشده است». امام علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «مَا أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ إِلَّا جَاهِلٌ؛^{۱۲} جز نادان کسی رأی خود را بزرگ نمی‌بیند».

استاد مطهری ضمن توضیح و تفسیر خطبه‌ای از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به این مهم اشاره می‌کند و می‌گوید: «امیرالمؤمنین علیه‌السلام راجع به اتفاق و اتحاد بیانات زیادی دارد. ایشان با این فکر مبارزه می‌کند که بعضی از مردم را غرور می‌گیرد و خودشان را ما فوق همفکری و همکاری، مافوق عقل و فکر و عمل دیگران فرض می‌کنند؛ فکر نمی‌کنند که عقل فرد هر اندازه که صائب باشد و عمل فرد هر اندازه مؤثر باشد، مثل عقل اجتماعی و عمل اجتماعی نیست».^{۱۳}

اندیشمندان و عالمان مسلمان بر این باورند: «افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند هر چند از نظر فکری فوق‌العاده باشند، غالباً گرفتار اشتباهات خطرناک و دردناکی

^۹ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۵.

^{۱۰} - همان، ج ۸، ص ۳۴۴.

^{۱۱} - نهج السعادة، ج ۷، ص ۲۷۴؛ تفسیر ابوالفتح، ج ۱۰، ص ۵۶؛ تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۱۴۹۳.

^{۱۲} - غرر الحکم و درر الکلم، ح ۷۹۶۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۲۵.

^{۱۳} - حکمت‌ها و اندرزها، ص ۱۱۹.

می‌شوند. از این گذشته استبداد رأی، شخصیت را در توده مردم می‌گشود و افکار را متوقف می‌سازد و استعداد‌های آماده را نابود می‌کند، و به این ترتیب بزرگ‌ترین سرمایه‌های انسانی یک ملت از دست می‌رود».^{۱۴}

۵- رشد علوم و گسترش فرهنگ:

یکی از عوامل مهم پیشرفت علوم در رشته‌های مختلف، تبادل نظر و همفکری دانشمندان طراز اول این رشته‌هاست. آنان اندوخته‌ها، تجارب و یافته‌های جدید علمی خود را در اختیار دیگر متخصصان قرار می‌دهند. نتیجه این تبادل نظر، رفع نواقص، اصلاح عیوب و تکامل و رشد نظریات علمی است. اسلام نیز سخت به این مسأله تأکید می‌ورزد.

استاد شهید مطهری در این خصوص می‌گوید: «از نظر اسلام همفکری و تبادل نظر یکی از اصول زندگی اهل ایمان و پیروان اسلام است».^{۱۵}

مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه‌السلام که خود نظامی مبتنی بر اصول و ارزش‌های الهی بنا نهاد، می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ عِبَادَ اللَّهِ الْمُسْتَحْفَظِينَ عِلْمَهُ يَصُونُونَ مَصُونَهُ وَيَفْجَرُونَ عَيْونَهُ يَتَوَّاهُ صِلُونَ بِالْوِلَايَةِ وَيَتَلَقُونَ بِالْمَحَبَّةِ وَيَتَسَاقُونَ بِكَأْسِ رَوْيَةٍ وَيَصُدُّونَ بِرِيَّةٍ»^{۱۶} بدانید آن دسته از بندگان خدا که علم خدا به آن‌ها سپرده شده، سر خدا را نگه می‌دارند، چشمه‌های او را جاری می‌کنند (چشمه‌های علم را به روی مردم باز می‌کنند)، با یکدیگر رابطه دوستی و عاطفی دارند، با گرمی و محبت با یکدیگر ملاقات می‌کنند و یکدیگر را از جام اندوخته‌های علمی و فکری خود سیراب می‌کنند و در نتیجه، همه سیراب و راضی بیرون می‌آیند».

این کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام تصویری دقیق را از یک شورای علمی که جهت تبادل افکار و اندیشه‌ها تشکیل می‌شود، نشان می‌دهد. امروزه با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرعت انتقال پیام در هر لحظه در این دهکده جهانی، این امکان برای هر محقق و اندیشوری وجود دارد که با دورترین نقاط دنیا ارتباط برقرار کند و به تبادل یافته‌های علمی و تحقیقاتی بپردازد. اکنون شبکه عظیم اینترنت و اینترنت، جویندگان علم را به آسانی با صاحب نظران رشته‌های مختلف علمی در داخل و خارج از کشور ارتباط می‌دهد.

استاد مطهری در این باره می‌نویسد: «در دنیا در عین این که رشته‌های تخصصی در همه علوم پیدا شده و موجب پیشرفت‌ها و ترقیات محیرالعقول شده، یک امر دیگر نیز عملی شده که آن هم به نوبه خود یک

^{۱۴}- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴۴.

^{۱۵}- ده گفتار، ص ۱۰۶.

^{۱۶}- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.

عامل مهم در ترقی و پیشرفت بوده و هست و آن موضوع همکاری و همفکری بین دانشمندان طراز اول و صاحب نظران هر رشته است. در دنیای امروز دیگر فرد و عمل فردی ارزش ندارد و از تکروی، کاری ساخته نیست. علما و دانشمندان دائما مشغول تبادل نظر با یکدیگرند؛ آن‌ها محصول فکر و اندیشه خود را در اختیار سایر اهل نظر قرار می‌دهند، در نتیجه این همکاری‌ها و همفکری‌ها و تبادل نظر‌ها، اگر نظریه مفید و صحیحی پیدا شود، زودتر منتشر می‌شود و جا باز می‌کند و...»^{۱۷}

۶- خطا و اشتباه در زندگی:

مشورت موجب مصونیت بیشتر از خطا، معذور بودن در صورت خطا کردن و هم‌چنین مصون ماندن از حسد دیگران در صورت پیروز شدن در کار می‌گردد. اگر انسان پس از هم‌اندیشی و مشورت با مشاورین آگاه و مجرب، خطایی مرتکب شد، مردم او را تقبیح و سرزنش نمی‌کنند. این امر در زندگی فردی، خانوادگی و حتی اجتماعی تاثیر گذاز می‌باشد.

امام علی علیه‌السلام فرمود: «الْمُسْتَشِيرُ مُتَّحِصِنٌ مِنَ السَّقْطِ»^{۱۸} مشورت کننده از اشتباه و لغزش مصون است. آن حضرت در جای دیگر فرمود: «الْمُشَاوِرَةُ حِصْنٌ مِنَ النِّدَامَةِ وَ أَمْنٌ مِنَ الْمَلَاهَةِ»^{۱۹} مشاوره از پشیمانی جلوگیری می‌نماید و باعث می‌شود انسان از توبیخ و سرزنش مصون بماند.

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نیز در این خصوص می‌فرماید: «مَنْ اسْتَشَارَ لَمْ يَعْذَمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحًا وَ عِنْدَ الْخَطَا عَازِرًا»^{۲۰} هر کس به همفکری و مشورت بپردازد، اگر توفیق یابد مورد ستایش است و اگر بلغزد، معذور است.

نقش مشورت و هم‌اندیشی در جلوگیری از خطا و اشتباه در سبگ زندگی انسان به حدی است که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ اسْتَشَارَ ذَوِي النُّهْيِ وَ الْاَلْبَابِ فَازَ بِالْحَزْمِ وَ السَّدَادِ»^{۲۱} آن کس که با افراد خردمند به مشاوره بنشیند، به دور اندیشی و فکری محکم دست یافته است.

آن حضرت به فرزندش محمد بن حنفیه وصیت می‌کند: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْاَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا»^{۲۲} کسی که از نظرات مختلف استقبال کند به زوایا و نقاط خطا و لغزش پی می‌برد.

^{۱۷}- ده گفتار، ص ۱۰۵ - ۱۰۴.

^{۱۸}- میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۵۲۴.

^{۱۹}- نزهة الناظر و تنبيه خاطر، ص ۱۲؛ فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۵۴.

^{۲۰}- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۴، ح ۳۷.

^{۲۱}- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۴۲، ح ۱۰۸۲.

^{۲۲}- وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۸۱.

آن حضرت هم‌چنین می‌فرماید: «خَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ ذُوَّ النَّهْيِ وَالْعِلْمِ وَأَوْلُو التَّجَارِبِ وَالْحَزْمِ؛^{۲۳} بهترین موارد هم‌اندیشی و مشورت، همفکری و مشورت با صاحبان عقل و علم و تجربه و دارای حزم و احتیاط است». زیرا این افراد با آگاهی و دور‌اندیشی و عقل و درایت خود، انسان را از موانع و مشکلات راه با خبر کرده و از خطرات احتمالی و آسیب‌هایی که در کمین او است با خبر می‌سازند. به همین دلیل است که بر مشاوره در اموراتی چون ازدواج، خرید منزل، انتخاب شغل، مسائل آموزشی و... با افراد خبره تأکید شده است تا انسان در گرداب و منجلاب گمراهی گرفتار نشود.

۷- رشد خواهی همسالان:

مشورت در رشد همسالان، بخصوص نوجوانان و جوانان مؤثر است. روان‌شناسان می‌گویند، هم‌سالان را می‌توان یک سازمان غیر رسمی دانست که معمولاً از افراد هم‌سن و سال تشکیل شده است. هم‌سالان به افرادی گفته می‌شود که در یک سطح رفتاری با یکدیگر تعامل دارند و یا در چند صفت مشترک همسان‌اند و این هم‌سطحی و نزدیکی صفت‌ها و خلق و خوی، موجب معاشرت، مشورت و هم‌اندیشی می‌گردد.

امام علی علیه‌السلام فرمود: «الْأَنْفُوسُ أَشْكَالٌ، فَمَا تَشَاكَلَ مِنْهَا اتَّفَقَ وَالنَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ أَمْيَلُ؛^{۲۴} روح و روان انسان‌ها متفاوت است، پس هر کدام به دیگری شبیه باشد به او نزدیک می‌شود و البته مردم از نظر روانی به هم‌سنگ خود تمایل بیشتری دارند».

احساس تعلق و وابستگی به دیگر انسان‌ها از اساسی‌ترین نیازهای فردی است که در زمینه‌های مختلفی از جمله روابط با همسالان بروز و ظهور می‌کند و بر رشد روحی و روانی، جسمی و اجتماعی فرد تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. اگرچه فرهنگ همسالان از فرهنگ اجتماع بزرگ‌تر متأثر است لکن همسالان واسطه‌های انتقال آداب و رسوم اجتماعی از نسلی به نسل دیگر محسوب می‌شوند؛ زیرا معلومات نوجوانان پیرامون سبک زندگی یعنی رفتارهای اجتماعی و شکل ارتباط با دیگران بیشتر از طریق هم‌سالان شکل می‌گیرد. افراد گروه همسالان از طریق معاشرت و مشورت با ارزش‌های گوناگونی آشنا شده و از راه تبادل ارزش‌ها، مسائل فراوانی را یاد می‌گیرند. «اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و با صاحب‌نظران، به مشورت می‌نشینند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند».^{۲۵}

در پایان این بخش باید به این سؤال پاسخ دهیم که چرا انسان‌ها در امور مادی - معنوی و فردی - اجتماعی خود به مشورت نیاز دارند؟

در پاسخ می‌توان گفت: ساده‌ترین و مهم‌ترین دلایل مشورت، نارسایی فکر و نقص عقل و نیز حس تکامل

^{۲۳}- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۵.

^{۲۴}- میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۹۷.

^{۲۵}- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۶۰.

خواهی و انگیزه پیشرفت در انسان است. یکی از ویژگی‌های عقل آدمی این است که همان طور که قادر به درک اشیا و مفاهیم است، محدودیت ادراکی خود را نیز درک می‌کند. به عبارت دیگر عقل آدمی درک می‌کند که دچار محدودیت در فهم و درک است و نمی‌تواند هر چیز را بداند. از این رو انسان هرگز نباید خود را از علم و تخصص و تجربه دیگران بی‌نیاز ببیند و یکی از راه‌های استفاده از دانسته‌های دیگران، مشاوره، همفکری و هم‌اندیشی با آنان است.

از این نظر مشورت و هم‌اندیشی دارای ضرورتی عقلی است و عقل هر انسانی آن را قبول داشته و بر آن صحنه می‌گذارد. نگاهی به تاریخ تحول و پیشرفت علم نیز ما را به حقیقت رهنمون می‌سازد که پیشرفت علوم در همه اعصار، با تکیه بر همفکری، همکاری و مشاوره صورت پذیرفته است.

جای تردید نیست که تکامل علمی بشر تدریجی است و پیشرفت انسان در کشف حقایق و مجهولات جهان آرام آرام انجام گرفته است؛ با این حال و با وجود پیشرفت‌های عظیم بشر در علم و دانش، کاروان علمی بشر هنوز اندر خم یک کوچه است؛ زیرا ما تا به امروز تنها گوشه‌ای از کتاب قطور علم را خوانده‌ایم و بسیاری از اسرار و حقایق آن هم چنان از ما مخفی مانده است.

دکتر آلکسیس کارل - چهره علمی و مشهور فرانسه - می‌نویسد: «اگر عقیده ما را تحقیر یا اهانته حساب نکنید، تمام پزشکانی که در کار خود زحمت می‌کشند عقیده دارند که آنچه تاکنون به دست آورده‌اند، در مقابل مسائلی که باید بعداً بدانیم بسیار بی‌اهمیت و ناچیز است! آنچه به دست آمده نیز در پرتو همفکری و مشورت به دست آمده است».^{۲۶}

این مسأله نشان می‌دهد که مشورت و همفکری چه در سطح جزئی (در زندگی تک‌تک افراد) و چه در سطح کلان (در جوامع مختلف و در گستره جهان) در رشد سطح فکری آدمیان و نیز رشد و پیشرفت علوم و سطوح زندگی انسان‌ها نقش بسیار مهم و اساسی‌ای داشته و دارد.

مشورت و همفکری در خانواده:

خانواده را باید اولین و اساسی‌ترین جزء تشکیل دهنده یک اجتماع عظیم دانست؛ نهادی که افکار، عقاید و اخلاق در آن شکل گرفته و در اجتماع بروز می‌کند. اصولاً برای ساختن زندگی متعالی و جامعه‌ای پابدار، باید از خانواده شروع کرد؛ زیرا این خانواده‌ها هستند که با اتخاذ روش‌های تربیتی صحیح، انسان‌های قاطع، نیرومند و مفید تحویل اجتماع می‌دهند. خانواده‌هایی که اساس و پایه زندگی‌شان بر تفاهم، تصمیم‌گیری مشترک و توجه به فکر و عقیده اعضا بنا شده باشد، بی‌تردید فرزندان صالح، باهوش و کاردان تحویل جامعه

^{۲۶} - انسان موجود ناشناخته، ص ۱۴۹.

خواهند داد؛ اما خانواده‌هایی که زندگی آنان بر اساس زور و استبداد، زن‌سالاری یا مرد‌سالاری و... با شد، کمتر توفیقی در این راه خواهند داشت. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که امروزه طلاق و جدایی، به جهت عدم سازگاری، همفکر نبودن، بی‌اعتنایی به ارزش‌ها و عدم توجه به آرای طرفین در خانواده‌ها روی می‌دهد. طبیعی است که چنین خانواده‌هایی فرزندان ضعیف‌النفس، سست‌عنصر و بی‌کفایت به جامعه تحویل دهند؛ اشخاصی که از خود نه قدرت انتخاب دارند و نه قدرت فکر و اندیشه؛ مردمانی چون پندگانی‌اسیر، زندانی توهّمات پوچ و بی‌اساس خویش!!

اساساً در یک خانواده، برای آن که رابطه بین دو نسل (والدین که متعلق به نسل پیش‌اند و فرزندان که از نسل جدید هستند) به نحو احسن برقرار شود، باید میان آنان صمیمیت و مهربانی حکم‌فرما باشد. این امر سبب می‌شود که آن‌ها به هم نزدیک‌تر شده و بتوانند افکار، عقاید و نظریات خود را به یکدیگر منتقل سازند. بدیهی است اگر انسان‌ها به معنای واقعی با یکدیگر صمیمی نباشند، به راحتی نمی‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند و یکی از مواردی که انسان‌ها را به هم نزدیک می‌سازد «مشاوره» است. بی‌تردید، مشاوره ضمن این که کانون خانواده را گرم می‌کند، زمینه توسعه فرهنگ مشاوره را در خانواده‌های مرتبط ایجاد می‌کند.

اساساً گرایش فرزندان به هم‌اندیشی و مشورت از انتظارات والدین می‌باشد که انتظاری منطقی و خردمندانه است. مشورت مرد با همسرش و بالعکس، مشورت پدر با پسر و بالعکس و مشورت مادر با دختر و بالعکس مورد تأکید اسلام است. بسیاری از مطالب را مرد فقط می‌تواند به همسرش بازگو کند و بالعکس و بسیاری از مطالب را دختر می‌تواند با مادرش مطرح کند و نقطه نظر او را جویا شود؛ همان‌طوری که پسر بسیاری از موضوع‌ها را فقط می‌تواند با پدرش در میان بگذارد و از او مشورت بگیرد. چقدر خوب است که پدر برخی از موضوع‌ها را در خانواده طرح نماید و در جمع خانواده تصمیم بگیرد و از خرد جمعی بهره‌مند گردد. این امر علاوه بر دست‌یابی به فکر و اندیشه برتر، بستر سازی فرهنگ شورا را در پی خواهد داشت. فرزندان می‌فهمند که در زندگی خود باید از عقل جمعی استفاده کنند و امور خودشان را، با همفکری و مشورت با دیگران تنظیم کنند.

مشورت و هم‌اندیشی در اجتماع:

زندگی انسان در این دنیا یک زندگی اجتماعی است که لازمه آن ارتباط افراد جامعه با یکدیگر است. هر انسان مسلمان برای بهتر و درست‌تر زندگی کردن می‌بایست در امورات مختلف خود با افرادی که او صاف مشاور را دارا هستند به رایزنی بپردازد، زیرا سلامت تصمیم‌گیری‌ها در گروه هم‌اندیشی و مشورت است. جامعه‌ای که در آن شورا یک اصل مسلم است و از اجزای ضروری حیات اجتماعی محسوب می‌شود، بهترین و کامل‌ترین مسیرها در برابرش گشوده شده است. در این باره امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمود: «ها

تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هَلُّوا إِلَى رُشْدِهِمْ؛^{۲۷} هیچ قومی مشورت نکردند جز آن که به راه رشد و تعالی هدایت یافتند».

مردمی که سبک زندگی خود را با مشورت ساماندهی کرده و به انجام می‌رسانند، کمتر گرفتار لغزش و پشیمانی در زندگی می‌شوند و آنان که گرفتار خود رأیی و استبدادند، هر چند افراد فوق‌العاده‌ای باشند، غالباً در اشتباه به سر برده و موجب تنش‌های اجتماعی - سیاسی می‌شوند.

فقدان سنت مشورت و همفکری در جامعه، موجب از بین رفتن شخصیت مردم و پایین آمدن سطح افکار آنان می‌شود. چنین مردمی شایستگی زندگی حقیقی را از دست می‌دهند و بسان مردگان هیچ حظی از زندگی خود نمی‌برند. در حدیث شریف نبوی به این حقیقت اشاره شده است: «إِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ خِيَارَكُمْ وَ أَعْنِيَاءُكُمْ سَمْعَاءُكُمْ وَ أَمْرُكُمْ شُورًا بَيْنَكُمْ فَظَهَرَ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا وَ إِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ شَرًّا لَكُمْ وَ أَعْنِيَاءُكُمْ بَخْلَاءُكُمْ وَ لَمْ يَكُنْ أَمْرُكُمْ شُورًا بَيْنَكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا؛^{۲۸} هنگامی که زمامداران شما، نیکان و توانگران شما، سخاوت مندانتان باشند و کارهایتان به مشورت انجام شود، روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (شایسته زندگی و بقا هستید)؛ ولی اگر زمام دارانتان، بدان و توانگران تان افراد بخیل باشند و کارهایتان بدون مشورت باشد، در این صورت زیرزمین از روی آن برای شما بهتر است». در این حدیث شریف پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به سخاوت‌مندی و مشورت پرداخته، با صراحت، آثار منفی تن ندادن به مشورت را بیان کرده و مورد توجه ویژه قرار داده است.

نتیجه:

مشورت و هم‌اندیشی نوعی تعامل فکری است که سهم عمده‌ای در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های سبک زندگی متعالی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد. انسان در هر سطح و مرحله‌ای از اندیشه و تعقل که باشد بدنبال زندگی متعالی و پیشرفته تری است که برای دست یافتن به آن، مشورت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، زیرا همواره در زندگی با مجموعه مسائلی رو به رو است که بدون شک مانعی بر سر راه زندگی متعالی است از این رو تدبیر و تفکر او به تنهایی کافی نیست و نیازمند استمداد از تفکر و تجربه دیگران برای رسیدن به زندگی متعالی است. بنابراین، هم‌اندیشی و مشاوره امری بایسته و شایسته به نظر می‌رسد که بسیاری از گره‌های کور زندگی را که عقل فردی قادر به گشودن آن نیست، با مدد گرفتن از خردمندان به راحتی گشوده می‌شود و بر نقاط تاریک زندگی، نور افشانی میکند.

در این صورت، مشاوره تغییر مناسبی در رفتار و گفتارمادی و معنوی مشورت‌گیرنده به منظور رسیدن به

^{۲۷}- صحیفه الحسن، ص ۳۵۴.

^{۲۸}- تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۸؛ تفسیر روح المعانی، ج ۲۵، ص ۴۳؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۶۱؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۱.

زندگی مفیدتر و رضایت بخش تر ایجاد کرده و از این رهگذر به شیوه‌های صحیح تصمیم‌گیری و راه حل های مناسبی برای حل مشکلات زندگی دست می‌یابد و تهدید های زندگی را به فرصت هایی ژرف تبدیل می‌کند. از این رو بی‌تردید می‌توان گفت هم اندیشی از نعمت های برجسته خداوند است که از سان را بر دیگر موجودات برتری داده و کاستی‌های روحی و جسمی او را جبران کرده و از نارسایی‌ها، کجی‌ها و لغزش‌هایش جلوگیری می‌کند. در این راستا، آنانی که در زندگی خود پیش از انجام هر کاری با اندیشمندان و صاحبان خرد، مشورت و همفکری می‌کنند، کمتر دچار خطا و در نتیجه پشیمانی می‌شوند و همواره در مسیر معلوم و روشن زندگی متعالی، حرکت می‌کنند.

اگر انسان‌ها به خود اجازه دهند تا درسبک زندگی خود، خانواده، اجتماع و حکومت، با خردمندان هم اندیشی و مشورت کنند، بی‌شک علاوه بر این که به زندگی متعالی می‌رسد که سعادت دنیا و آخرتشان در آن است، سبک زندگی متعالی در جامعه نهادینه می‌شود و همگان از آن بهره‌مند می‌گردند. به امید نهادینه و فرهنگ شدن اصل اساسی اسلام یعنی مشورت و در نتیجه رسیدن به سبک زندگی متعالی.

منابع

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، تحقیق جلال الدین الحسینی، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، طهران ۱۳۷۰.
- ۴- المیزان، علامه محمد حسین طباطبائی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی تا.
- ۵- انسان موجود ناشناخته، آلکسیس کرل، مترجم پرویز دبیری، کتابفروشی تأیید، اراک، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.
- ۶- بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳.
- ۷- تفسیر روح المعانی، سید محمود آلوسی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵.
- ۸- تفسیر قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی؛ دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۵.
- ۹- تفسیر روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفوح رازی، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۷.
- ۱۰- نشست سبک زندگی اسلامی معطوف به مبحث خانواده، استاد علی اکبر رشاد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، بی تا.
- ۱۱- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.

- ۱۲- تعلیم و تربیت اسلامی، علی شریعتمداری، بی تا.
- ۱۳- تعلیم و تربیت، ابراهیم امینی، بی تا.
- ۱۴- حکمت‌ها و اندرزها، شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم، ایران، ۱۳۶۹.
- ۱۵- خودشناسی برای خودسازی، محمدتقی مصباح، انتشارات مؤسسه در راه حق قم، ۱۳۵۷.
- ۱۶- ده گفتار، شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم، ایران، ۱۳۶۸.
- ۱۷- روان‌شناسی مشاوره، جورج و کریستانی، ترجمه رضا فلاحی و محسن حاجیلو، تهران، بی تا.
- ۱۸- روان‌شناسی مشاوره، وکریستانی، بی تا.
- ۱۹- سنن الترمزی، ترمذی، تحقیق عبدالرحمن محمد، چاپ دوم دار الفکر، بیروت، لبنان، بی تا.
- ۲۰- صحیفه الحسن، شیخ جواد قیومی، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، بی تا.
- ۲۱- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد ابن مجد تمیمی آمری، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.
- ۲۲- فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، المناوی، تصحیح احمد عبدالسلام، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- ۲۳- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، چاپ دوم، آل البيت، بیروت، لبنان، بی تا.
- ۲۴- مشاوره در آینه علم و دین، علی نقی فقیهی، بی تا.
- ۲۵- مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، عبدالرزاق گیلانی، تصحیح دکتر سیدجلال الدین محدث، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- ۲۶- میزان الحکمة، محمد محمدی‌شهری، انتشارات دار الحدیث، ۱۴۱۶، ایران.
- ۲۷- نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، الحلوانی، چاپ اول، مدرسه الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه)، قم، بی تا.
- ۲۸- نهج السعادة. محمودی، چاپ اول، مطبعة النعمان، بی تا.
- ۲۹- وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت، قم، ایران، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ.
- ۳۰- الکافی، کلینی، دار صعب - دار التعارف، چاپ سوم، بیروت، لبنان، ۱۴۰۱.